

اصلاحات یا قانون نامه‌های اوزون حسن در استقرار نظم ایرانی

ولی دین پرست^۱

اسماعیل حسن زاده^۲

چکیده

با استقرار حکومت ایلخانان در ایران، اشراف و حاکمان مغولی به شیوه یاسا یا نظم مغولی بر این سرزمین حکومت کردند. نتیجه آن اخذ انواع مالیات‌های غیر شرعی و چپاول اموال و ثروت‌های مردم بوده است. با مسلمان شدن ایلخانان مغول آنان به تدریج سنن صحرا نشینی خود را کنار نهاده، اقدام به اصلاح اوضاع مالی و اجتماعی ایران هر چند به طور محدود نمودند، پس از دوره ایلخانان در دوره سربداران، تیموریان و ترکمانان نیز برخی فرمانروایان تلاش‌هایی در جهت زدودن بقایای سنن مغولی از جامعه ایران انجام دادند. شاهرخ تیموری، سلطان حسین بایقرا و اوزون حسن آق قویونلو از این دسته حاکمانی بوده‌اند که در جهت زدودن سنن مغولی بخصوص در شیوه اخذ مالیات قدم‌هایی برداشتند. در این مقاله تلاش‌هایی که اوزون حسن آق قویونلو در راستای ایجاد نظم و ثبات در اخذ مالیات و جلوگیری از هرج و مرج در امور مالی و اجتماعی به عمل آورد و نتیجه آن برقراری قانون نامه‌ها در قلمرو حکومتی بود، با ذکر قانون نامه‌های باقی مانده از او در دیار بکر و دیگر ولایات شرق آناتولی در دوره عثمانی به شیوه توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد و تا نتایج این اصلاحات در حیات اقتصادی جامعه ایران در اواخر قرن نهم هجری نشان داده شود. **کلید واژگان:** اوزون حسن، قانون نامه، آق قویونلوها، نظم مغولی، نظم ایرانی.

Reformations or law letters of Uzun Hasan Aq-Qoyunlu in establishment of order in Iran

V.Dinparast¹

I.Hasanzadeh²

Abstract

With establishment of the Ilkhanid government in Iran, the nobles and rulers of Mongols, especially Yasa and Nazm ruled this land. The result was obtaining non-religious taxes, looting the property and people's wealth. By being Muslim, the Mongol of Ilkhanid gradually abandoned their nomadic traditions and tried to reform their financial and social situation in Iran, even in limited range. After the Ilkhanid era in the Sarbedaran, Timurids and Turkmen eras, some rulers did their best to eliminate the Mongolian traditions from Iran, especially getting the tax. Shahrokh Timurid and Uzun Hasan Aq-Qoyunlu belong to these groups. This paper descriptively assesses the attempts of Uzun Hasan Aq-Qoyunlu in establishing the order and stability in taxation and preventing chaos in social and financial affairs which were led to the establishment of a government in this territory, considering his remained laws in the provinces of East Anatolia during the Ottoman era so that the reforms in the economic life of society in the late ninth century can be presented.

Keywords: Uzun Hasan, law letter, Aghkoyunlu, Mogul order, Iranian order.

1 - Assistant Professor of History University of Tabriz.
vali_dinparast@yahoo.com

2 - associate professor of History, University of Alzahra.
ihassanzadeh111@gmail.com

مقدمه

چالش بین فرهنگ و سنن ایرانی- اسلامی با سنن مغولی (نظم مغولی) از ابتدای حاکمیت مغولان در ایران وجود داشت. در دوره غازان خان دیوانسالاران ایرانی در رأس آن رشید الدین فضل الله همدانی موفق شدند خان مغول را به کنار نهادن سنن مغولی و شیوه حکومت صحراگردی و پذیرش نظم ایرانی تشویق نمایند. در زمان او اصلاحاتی در امور مالی، قضائی و اجتماعی به عمل آمد، هر چند نتیجه آن اندک و زودگذر بود. با مرگ غازان و رشید الدین فضل الله، اصلاحات به فراموشی سپرده شده و بار دیگر اشراف ترک و مغول بر امور مسلط شدند. پس از سقوط ایلخانان، دیوانسالاران ایرانی دوره تیموری و ترکمن، حکمرانان این دودمان‌ها را برای استقرار نظم ایرانی در شیوه حکومت تشویق کردند، در نتیجه قدم‌هایی در زمینه اصلاح امور مالی و اجتماعی برداشته شد. اصلاحات دوره شاهرخ و اوزون حسن آق قویونلو در این راستا صورت گرفته است.

در خصوص اصلاحات و یا قانون نامه‌های اوزون حسن در منابع تحقیقات داخلی و خارجی اشاراتی وجود دارد از جمله بار تولد (۱۳۳۶)، مینورسکی (۱۹۵۵)، هینتس (۱۳۴۶)، میرجعفری (۱۳۷۵)، حسن زاده (۱۳۷۹) و دیگران در تحقیقات خود به قانون نامه‌های اوزون حسن اشاره کرده‌اند؛ اما تفصیل قانون نامه‌ها و مفاد آن در هیچکدام از نوشته‌های پژوهشگران فوق نیامده است. قانون نامه‌های اوزون حسن پس از آق قویونلوها در آناتولی دوره عثمانی و در ایران دوره صفوی تا زمان شاه طهماسب حفظ و بدان عمل می‌شده است. جزئیات این قانون نامه‌ها در چه مواردی بوده و چه تحولات در جامعه ایران دوره آق قویونلوها ایجاد کرده، اثرات آن در جامعه چه بوده است؟ نیاز به بررسی دارد. پس از آن که تلاش‌هایی در خصوص یافتن قانون نامه‌های اوزون حسن صورت گرفت در نهایت مشخص شد که این قانون نامه‌ها پس از سلطه عثمانی‌ها بر آناتولی در ولایات دیاربکر، ارزروم، خرپوت، عربگیر و... تحت عنوان قانون نامه‌های اوزون حسن اجرا می‌شده است. عمر لطفی بارکان این قانون نامه‌ها را در مقاله «قانون نامه‌های اوزون حسن در دوره عثمانی» (۱۹۴۱) و بعد به تفصیل در کتاب *مبانی حقوقی، مالی، زراعی و اقتصادی امپراطوری عثمانی* (۱۹۴۳) به چاپ رسانده است و در نهایت مهدی ایلخان (۲۰۰۰) مجموعه اسناد ولایت

دیاربکر را در کتابی با عنوان دفتر مفصل سال ۱۵۱۸م (دیاربکر) منتشر کرده است. با توجه به این که آنها فقط به چاپ عین این قانون نامه‌ها پرداخته‌اند و به مباحث زمینه‌ای و پیامدی آن در ایران توجه نکردند، لذا در این مقاله تلاش شده با استفاده از این قانون نامه‌ها، روند اصلاحات اوزون حسن در «استقرار نظم ایرانی» و پیامدهای آن مورد بررسی قرار گیرد.

گذار از «نظم مغولی» به «نظم ایرانی»

اصلاحات به عنوان عنصر خود سامان در تطبیق ساختارها با اوضاع جدید عمل می‌کند (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۴۹۷-۴۹۸) البته منظور این نیست که اصلاحات خودبخود پدید می‌آید و خودزاست، بلکه زایش اصلاحات نیازمند نخبگان اصلاحگر و توسعه‌باور است. نخبگان اوضاع موجود را ارزیابی نموده، میزان کارآمدی و ناکارآمدی ساختارهای موجود را با شرایط تطبیق داده و برای مقابله با بحران آماده می‌شوند. البته نخبگان ضد اصلاحات نیز در به تعویق انداختن دگرگونی‌ها نقش محوری دارند (لاور، ۱۳۷۳: ۱۷۴). اندیشه اصلاحات در ایران سابقه دیرینه‌ای دارد و به طور کلی در هر دوره یک یا چند مصلح با توانمندی‌های بالقوه و بالفعل مادی و فکری متفاوت ظهور کرده و راه‌حلی برای تغییر وضع موجود یا برون رفت از بحران ارائه داده‌اند. با توجه به ماهیت هر می قدرت، نخبگان اصلاحگر و ضد اصلاحات از قشرهای بالای وابسته به قدرت برخاسته بودند.

با مسلمان شدن ایلخانان مغول در ایران، فرایند اصلاحات و یا گذار جامعه ایران از نظم مغولی به نظم ایرانی آغاز گردید. عوامل اصلی وقوع و مشدد این فرایند را می‌توان تضعیف سلطه نظامی مغولان، آشنایی آنان با فرهنگ شهری، ناکارآمدی فرهنگ یاسایی در پاسخ‌گویی به نیازهای جدید، احیای فرهنگ ایرانی و تقویب تشیع و تصوف و غیره دانست. در دوره حاکمیت ایلخانان غیر مسلمان بر ایران نظم مغولی در جامعه اسلامی زیر فشار فرهنگی دچار «تردید»هایی در توانمندی‌های مدیریتی و مشروعیت زایی گردید. این تردید به تدریج حاکمان مغول مسلمان شده را به پذیرش نظم ایرانی و کنار نهادن نظم مغولی تشویق کرد. البته از آنجا که گفتمان هر نظامی در بافت‌های جامعه آمیخته و به هم بافته

می‌شود انفکاک و رفع آن با سرعت فروپاشی کلان نظم امکان‌پذیر نیست، رفع آثار سیطره گفتمانی از متن جامعه نیازمند زمان است، لذا به مرور زمان نظم مغولی از جامعه ایران حذف شد. چرا که تقابل دو نظم مغولی و ایرانی به معنی تقابل و تعارض دو «جنس» ایرانی و ترک/مغول نیست، بلکه به معنی تعارض دو سیطره گفتمانی است. بدیهی است در هر نظمی دو جناح دیوانی و سپاهی حضور دارند. چه بسا برخی از امیران مغولی/ترکی بدلیل انتفاع از نظم ایرانی دنبال اجرای آن بودند و برعکس. در دوره آق قویونلوها مخالفت عالمان و صوفیان با اصلاحات نه از باب مخالفت با ماهیت و شاخصه‌های نظم ایرانی بود بلکه آنان در دوره گذار از نظم مغولی به منافی رسیده بودند که در صورت برقراری نظم ایرانی منافع خود را از دست می‌دادند. همگرایی منافع صاحبان سیورغال‌های ایلی و غیر ایلی نشان می‌دهد که چگونه در دوره گذار کانون‌های مقاومت در سطح قشرهای مختلف جامعه گسترده شده بود. تنها امیران نظامی نبودند که به پراکندگی قدرت پافشاری می‌کردند، بلکه برخی از عالمان و صوفیان متمتع از سیورغال نیز برپراکندگی اصرار داشتند. اما این قشرها ابزارهای متفاوتی در دفاع از خود نشان می‌دادند. امیران نظامی با تکیه بر شمشیر و شورش و عالمان دینی ضمن جلب نظر امیران به ابزارهای توجیه دینی روی آورده بودند.

از اصلاحات غازانی تا اصلاحات شاه‌رخی

در ایران از دوره ایلخانان چالشی بین سنن ترکی و مغولی با سنن ایرانی وجود داشت. نظام مالی مغولان مخصوصاً در زمینه اخذ مالیات بیشتر دلبخواهی و بر اساس شماره جمعیت و بر عکس نظام مالیات اسلامی منظم و متکی بر زمین و بهره برداری از آن بوده است (لمبتن، ۱۳۸۲: ۲۱۸)، در روزگار مغولان سه نوع مالیات شامل قیچور، قلان و تمغا وجود داشت، قیچور در سال بیش از یک بار گرفته می‌شد به نوشته رشید الدین در بعضی جاها بیست تا سی قیچور بر رعایا تحمیل می‌شد (همدانی، ۱۳۵۸: ۲۴۳)، در کنار قیچور، قلان از دیگر مالیات‌های مغولان بشمار می‌رفت (همان، ۲۱۹) اشراف مغول سعی می‌کردند به هر نحو ممکن املاک زراعی را به تصاحب خود درآورند به نوشته رشید الدین فضل الله همدانی: «چون مغول را برخلاف ازمان متقدم هوس املاک بادید آمده سعی در آن زیادت می‌نمودند و چنان شد که ملک بیکبارگی در سر آن قضایا خواست شد و عموم خلق بر

املاک و عرض و جان خود نامین گشتند» (همدانی، ۲۴۱) در این دوره فشارهای مالی بر مردم در کنار سایر نابسامانی‌های سیاسی و اجتماعی از مشکلات عمده جامعه بوده است. برای رفع این نابسامانی‌ها غازان خان دست به اصلاحاتی زد، وی در پی سیاست تمرکزگرائی خود از میزان، قدرت و نفوذ مقاطعه کاران مالیات کاست و دستور داد تمام حساب ولایات در پایان سال مورد بررسی قرار گیرد (المبتن، ۳۶۷-۳۶۸). بر اساس اصلاحات غازان خان قبیچور و سایر مالیات‌های رعایای دیه نشین بر حسب عادت و عرف، سالی در دو قسط، یکی در نوروز و دیگری در آغاز ماه میزان (نیمه پاییز) در مدت بیست روز مهلت مقرر دریافت می‌شد. مالیات صحرائشینان هم بر طبق عرف و عادت در یک قسط و در اول سال اخذ می‌گردید (همان، ۲۳۴) اصلاحات غازان خان پس از مرگ او به دلیل مخالفت اشراف ترک و مغول به فراموشی سپرده شد (رجب زاده، ۱۳۵۵).

از سقوط ایلخانان تا واپسین سال‌های دوره تیموری، چالش بین سنن ترکی و مغولی با سنن ایرانی به دلیل بی ثباتی سیاسی و ضعف پایه‌های قدرت دیوانسالاری ادامه یافت. در یک سو اشراف ترک و مغول و بخشی از ایرانیان همپیوند با اشراف ایللی، سعی داشتند همچنان بر طبق سنن موجود حکومت نمایند. در سوی دیگر، بخشی از دیوانسالاران ایرانی با نظر مثبت برخی سلاطین تیموری تلاش کردند نظم ایرانی در حکومت را به اجرا گذارند. در واقع می‌توان گفت، انجام برخی اصلاحات در زمان هر کدام از سلاطین تیموری و ترکمن در راستای همین خواست سلاطین و تلاش نخبگان ایرانی بوده است. در این دوران نظام مالیاتی مغولان تا حد زیادی حفظ شد. دریافت مالیات تمغا از تجار و باج از کاروان‌های تجاری و نعل بها از اعیان و بزرگان ایالات و مال امان از شهرهای تصرف شده، نمونه‌ای از مالیات‌هایی بوده است که همانند دوره مغول‌ها گرفته می‌شد. گزارش‌های المازندرانی و نخجوانی بیانگر فشارهای مالیاتی بر مردم در دوره آل جلایر است، مجموع عایدات حکومت آل جلایر از ولایات مختلف در سال ۷۵۱ هجری که از سوی مقاطعه کاران جمع آوری می‌شد، حدود ۲۸۲۶۴۲۲۰ دینار بوده است (المازندرانی، ۱۹۵۲: ۱۵۵-۱۶۰) دریافت مالیات‌های متعدد موجب نارضایتی مردم شده بود به نوشته المازندرانی: «این عبارت مقرر می‌باشد که بر هر چه استقرار یابد آن چیز قطعا ارباب از آن تجاوز نماید و صدور نیز بر آن

عمل نمایند و بیشتر ازین قاعده چنان بود که هر موضعی را که قانون می‌بسته‌اند تغییر و تبدیل بدان راه نمی‌یافته تا رعایا مال مقنن را سال بسال بدیوان می‌رسانیده‌اند و بفرغ خاطر بعمارت و زراعت مشغول می‌بوده اکنون چون بر مال مقنن مقرر نمی‌دارند و هر سال عملی آیند بنوعی دیگر مال می‌طلبند رعیت نیز چون اعتماد ندارند دست از عمارت باز داشته و ولایات روی در خرابی نهاده...» (المازندرانی، ۱۷۲) بر حسب گزارش این مولف حدود ۲۴ نوع مالیات متنوع اخذ می‌شد (المازندرانی، ۱۸۳) او میزان مالیات برخی از طبقات مالیات دهنده از جمله سوق الدواب را ۲۵ دینار از ۱۰۰۰ دینار، مالیات تجاریه و تمغا یک دینار از چهار دینار (همان، ۱۷۳-۱۷۴) و مالیات از غلامان و برده گان از ۱۰۰۰ دینار ۲۰ دینار ذکر می‌کند (همان، ۱۷۷) از طرف دیگر از نوشته‌های نخجوانی در قرن هشتم هجری می‌توان به اجحافات مالی حاکمان جلایری پی برد از جمله خراج از محصولات کشاورزی به میزان ۲۰ درصد، قپچور از چهار پایان از هر صد راس یک راس، مالیات محصولین مالیاتی از بابت مخارج، علوفه اسبان، مخارج آمارگیران و راهنمایان ایشان از هر ۱۰۰ دینار ۲۰ دینار، مالیات راهداری، مالیات حرز و تخمین (کسانی که مقدار مالیات یک قطعه زمین را محاسبه می‌کردند)، تمغا و مالیات کالاهای تجاری از ۴ دینار ۱ دینار، مالیات اغنام، مالیات از اسراء و غلامان از ۱۰۰۰ دینار ۲۰ دینار، مالیات بر دکان‌ها و بازارها، میخانه‌ها و جزیه از غیر مسلمانان نمونه‌ای از انواع مختلف مالیات‌های این دوران است (نخجوانی، ۱۹۷۱: ۱۸۸-۲۰۲).

فشارهای مالیاتی در دوره تیمور نیز وجود داشت. تیمور هنگام ورود به شیراز در سال ۷۸۸ هـ.ق. هزار تومان کپکی^۱ از اعیان این شهر به عنوان مال امان اخذ نمود (واله قزوینی، ۲۹: ۱۵۳). پس از فتح تبریز دستور جمع آوری مال امانی از اهالی را صادر کرد (یزدی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۵۶۲). اما علیرغم این، تیمور با انجام اصلاحات مالی سعی در بهبود اوضاع اقتصادی جامعه بر آمد (بارتولد، ۱۳۷۶: ۲۴۸). او در بازگشت از لشکرکشی آناتولی، در منطقه قراباغ افرادی را برای نظارت بر امور به ولایات مختلف گسیل داشت. به نوشته یزدی:

۱- کبک فرزند تووا (Tuva) از خانان مغول اول کسی بود که به نام خود سکه زد. در آن زمان سکه در ایران رایج بود، وی نیز با استفاده از سکه‌های ایرانی، سکه‌های یک درهمی (۱/۳ مثقال) یک دیناری (شش درهمی) به نام خود رواج داد. در زمان تیمور و حتی جانشینان وی این مسکوک به نام سکه‌های کبکی (کپکی) مشهور و معروف بود (بارتولد، الغ بیگ و زمان او، ۱۳۳۶، ص ۱۸).

«جمعی اهل علم و فتوا- که به مزید ورع و تقوی موسوم بودند- اختیار نمود و هریک را با امینی متدین از قبل دیوان اعلی نامزد قطری از اقطار ممالک فرمود، تا به آن جانب شتابند و به غور قضایای رعایا و اهالی آنجا رسیده اگر بر عاجزی ظلمی رفته باشد، تلافی حال او واجب دانند و به دست مرحمت و شفقت خار اضرار از پای مظلومان برآرند» (یزدی، ج ۲، ۱۲۲۱). در تزوئات تیموری درخصوص اصلاحات اقتصادی تیمور آمده است «امر نمودم که مال و خراج طوری از رعیت وصول شود که موجب ضعف و از بین رفتن رعیت نشود، چرا که ضعف مالی و فقر رعیت موجب کاستی خزانه و کاستی خزانه تفرقه سپاه و به دنبال آن زوال سلطنت را در پی خواهد داشت.» (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۳۶۰).

پس از مرگ تیمور بی‌نظمی در اخذ مالیات‌ها حاکم گردید برخی از شاهزادگان مدعی قدرت از ساکنان شهرها مالیات‌های بی‌رویه اخذ می‌کردند تا بتوانند نیروی و تجهیزات نظامی جمع‌آوری کنند، این امر در افزایش فشار مالیاتی بر مردم تأثیر فراوانی داشت، در سال ۸۰۸ ه.ق. به دستور امیر زاده عمر بهادر، ماموران او به زور از مردم تبریز مبلغ دویست تومان عراقی مالیات اخذ کردند (فصیحی خوافی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۱۰۲۶). با استقرار شاهرخ بر تخت سلطنت تا حدودی نظم بر جامعه حاکم شد. وی تلاش نمود بر اساس شعائر اسلامی و نظم ایرانی حکومت نماید. بخش عمده امورات اجتماعی را به علمای مذهبی از خاندان‌های با نفوذ خراسان نظیر جلال‌الدین لطف‌الله و مولانا عبدالله لسان واگذار نمود و نسبت به اجرای مقررات مذهبی سختگیر شد (منز، ۱۳۹۰: ۲۸۸). شاهرخ کوشید از فشار مالیاتی بر رعایا بکاهد، در کشورداری به بزرگان و مأموران کشوری و روحانیون ایرانی متکی شد، تا آرامش و ثبات را بر شهرهای ایران حاکم سازد و به همین منظور در اصلاح امور مالی به سیاست مالیاتی غازان خان روی آورد و میزان مالیات‌ها را کاهش داد (پیگولوسکایا و دیگران، ۱۳۵۴: ۴۳۴). شاهرخ پادشاهی بود عادل و در دوره حکومتش هیچ یک از عمال حکومتی جرعت ظلم به مردم ناتوان را نداشتند (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ج ۴، ۹۳۵؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ج ۳، ۵۵۳) او پس از تصرف اصفهان مبلغ صد هزار دینار کپکی به فقرا و مستحقان اعطا نمود و یک سوم مالیات سالانه را به رعایای آن ولایت بخشید (خواندمیر، ج ۳، ۵۹۱) به نوشته مولف کتاب تاریخ جدید یزد در زمان شاهرخ در شهر یزد: «اندرو هزار خانه و دوکان

و مدارس و خوانق و حمامات و خانات و بساتین مجدداً تعمیر یافت و مسافران اطراف و اکناف عالم چون بدین خطه رسیدندی و نزهت بساتین و رونق این ولایت دیدندی» (احمد بن حسین، ۱۳۸۶: ۹).

اصلاحات شاهرخ از سوی وزرای ایرانی انجام می‌پذیرفت. آنان به طور مداوم در ستیز با اشراف و روسای قبایل طرفدار نظم ترکی و مغولی بودند. برای نمونه، خواجه غیاث‌الدین سالار سمنانی وزیرنسبت به رعایا و زبردستان عدالت و انصاف را رعایت می‌نمود اما به امراء و ارکان دولت سخت می‌گرفت. سختگیری نسبت به امرا موجب عزل و قتل وی گردید (خواندمیر، ۲۵۳۵: ۳۴۴) این نشانگر چالش بین اشراف ترک با دیوانسالاران ایرانی بوده است.

قانون نامه‌ها یا اصلاحات اوزون حسن

در عثمانی قوانینی تحت عنوان قوانین عرف از سوی سلطان عثمانی به اجرا گذاشته می‌شد، این قوانین به موازات قوانین شرعی در حیات اجتماعی وجود داشت. فرمان‌ها، احکام و دستوراتی که سلاطین صادر می‌کردند در مجموعه‌ای به نام قانون نامه گردآوری می‌شده است. این قوانین را کارگزاران دیوانی که در راس حاکمیت قرار داشتند برای حل مشکلات روزمره مردم تهیه و در اختیار سلطان قرار می‌دادند (Inalcik, 1973: 70؛ دورسون، ۱۳۸۱: ۲۴۳-۲۴۴). این روش از سوی درباریان آق قویونلو نیز تقلید شده و منجر به تهیه «قانون نامه حسن پادشاه» گردید. براین اساس اوزون حسن آق قویونلو از جمله سلاطینی است که برای تعیین دقیق خراج و لغو عوارض غیر قانونی از رعایا «قانون نامه» یا اساسنامه مالیاتی وضع کرد و مالیات زمین را بنا بر برخی اطلاعاتی که در دست است تا یک ششم محصول کاهش داد (پتروشفسکی، ۱۳۵۹: ۷۳).

از وضع مالی ایران در دوره قبل از اصلاحات اوزون حسن اطلاعاتی دقیقی وجود ندارد. اما بر اساس گزارش‌های مورخان، جهانشاه تلاش‌هایی برای انجام اصلاحات و رفع کاستی‌ها انجام داد، برای پرداخت کنندگان مالیات اراضی تخفیف‌هایی در نظر گرفت اما نتیجه‌ای از این اقدامات گرفته نشد. پیر بوداق، فرزند جهانشاه در حکومت فارس به ظلم و

اجحافات مالیاتی پرداخت، به نوشته عبدالرزاق سمرقندی: «با جمیع محترفه شیراز در حرص و آز شریک بود و سخنان که در جمع مال ازو منقول است درین دفتر درج و خرج نمی‌توان کرد» (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۸۳: ج ۲/ ۹۲۱). تا حدودی مالیات‌های متنوع دوره جلایریان در دوره ترکمانان نیز دریافت می‌شده است، از قبیل: مالیات مستمر، اخراجات و خارجات (مالیات زاید)، علفه (مالیاتی که بابت خوراک عمال حکومت می‌گرفتند)، علفه (حق علیق برای مرکب عمال حکومت)، قنلغا (مالیات مخصوص پذیرائی از سفرا و دیگران)، بیگاری، مالیات شکار، چاپارخانه‌ها و الام (راهنمایی که مجبور بودند بدون گرفتن مزد به ماموران حکومت خدمت کنند، سعوری (هدایا)، ساچق (عوارض پذیرایی)، پیشکش و... مالیات صد یک، صد دو، صد چهار، حقوق داروغه، کلانتر، ممیز، صاحب جمع، شیلان بها (مالیاتی که برای اجتماعات اعیاد می‌گرفتند)، سفره بها، سلامانه (مالیاتی برای بار عام شاه گرفته می‌شد)، قلان، قپچور، یرغو و سایر مطالبات دیوانی را می‌توان نام برد (لمبتن، ۲۰۸-۲۰۹؛ حسن زاده، ۲۱۸-۲۱۹).

آشفستگی اوضاع اقتصادی ایران همزمان با حکومت اوزون حسن موجب شد وی برای برای اصلاح وضع موجود اقداماتی انجام دهد. به همین علت عمده مفاد قانون نامه‌ها و یا اصلاحات اوزون حسن در خصوص اوضاع مالی بوده است. وی اصلاحاتی در امر مالیات گیری به عمل آورد و به دنبال آن قوانین مالیاتی جدیدی وضع نمود که به موجب آن میزان مالیات ثابت ارضی تعیین گردید. این اصلاحات در ادامه برنامه حذف مالیات‌های غیر اسلامی از جامعه بوده است. هر چند اصلاحات او به طور کامل منجر به لغو مالیات‌های غیر شرعی نگردید. البته پژوهشگران درباره اصلاحات اوزون حسن دیدگاه‌های متفاوتی دارند. مورخان و پژوهشگران ایرانی و عثمانی به قانون برنامه اصلاحی او نگاه مثبت دارند. از غربی‌ها لمبتون و هینتس، نگاه نسبتاً بدبینانه؛ پطروشفسکی، فراگنر و مینورسکی رویکرد تأیید آمیز نسبت بدان اتخاذ کرده‌اند. هینتس معتقد است که اوزون حسن خودسرانه و مستبدانه بر میزان مالیات‌های موجود افزود و مالیات جدیدی بر مردم بست (هینتس، ۱۹۵۰: ۲۰۱-۲۷۷؛ به نقل از لمبتن، ۱۳۷۷: ۲۰۵).

در مورد علت انجام این اصلاحات از سوی اوزون حسن برخی بر این باورند که مجموعه قوانین او به تقلید از قانون نامه‌های سلطان محمد فاتح در نیمه دوم قرن نهم هجری به مرحله اجرا گذاشته شد. همان طور که سلاطین عثمانی از روی قوانین قدیمی ولایات آناتولی و روم ایلی قوانین خود را تنظیم کردند در این زمینه سنتی را که در تضاد با نظام حقوقی جدید بود، کنار نهاده و مابقی سنن عرفی آن سرزمین‌ها را حفظ کردند (Inalcik, 123). اوزون حسن نیز سنت‌های عرفی را که در شرق آناتولی از گذشته باقی مانده بود، جمع آوری و اصلاح نمود و تحت عنوان قوانین جدید به اجرا گذاشت. به اعتقاد هینتس قانون نامه‌های اوزون حسن رسوم محلی بود که از روزگاران قدیم به ارث رسیده بود، در زمان این فرمانروای آق قویونلو تثبیت و تأیید شد (هینتس، ۱۳۴۶: ۱۷۹-۱۸۰) هرچند این قوانین ماحصل یک سیستم مالی نبود بلکه یک روش عملی بود که از سنن عادی محلی گرفته شده بود (Minorsky, 1955: 450). اگر این نظریه محققان خارجی را بپذیریم در این صورت اصلاحات اوزون حسن تقلیدی از قوانین عثمانی و سنن محلی تلقی می‌گردد. برخی معتقدند اوزون حسن پیش از تصرف قلمرو مرکزی ایران، به صدور قانون نامه اقدام کرد و این امر می‌تواند تحت تاثیر اصلاحات محمد فاتح و با اقتباس از الگوهای موجود در آناتولی باشد که ریشه رومی دارند، این شکل از اصلاحات در تعارض با نظم ایرانی نخواهد بود. زیرا آنچه نخبگان دیوانسالار ایرانی به دنبال اجرای آن بودند و در منابع آن دوره بازتاب یافته تلاش برای انطباق آن با شریعت اسلامی و حذف قوانین ضد شرعی بوده است. اصلاحات اوزون حسن نیز درجهت همین نظم انجام پذیرفته است. با این کار او نظام مالی پیشرفته‌ای را طراحی و اجرا کرد که حداقل یک سده دیگر در ایران رواج داشت. آنچه تغییر یافت شاکله و بینادهای آن نبود بلکه مبالغ مالیات تغییر می‌یافت. پس می‌توان چنین استنباط نمود که اوزون حسن قوانینی را برای اصلاح امور کشور با کمک رجال ایرانی (روملو، ۱۳۸۴: ج ۷۷۲/۲، طاهری، ۱۳۵۴: ۸۲-۸۳) منطبق با شریعت اسلامی در دو مرحله به اجرا گذاشت. مرحله اول، در دوره حکمرانی دیاربکر و مرحله دوم پس از تصرف ایران بود. این دو مرحله در یک روند تکاملی قرار گرفته بود. دوره اول بیشتر تحت رسوم محلی و مرحله دوم تحت تاثیر رسوم ایرانی و اسلامی به صورت یک نظام مالی پیشرفته بود. این اصلاحات، از سوی برخی از جانشینانش از جمله سلطان یعقوب و احمد (گوده احمد) دنبال

شد. او ۲۰ نوع مالیات غیر شرعی را که از زمان مغولان پا برجا بود از جمله مالیات سرانه، مالیات خانوار از مسلمین، اخراجات و بیگاری را ملغی ساخت (بتلیسی، ۱۳۷۷: ج ۲، ۱۳۰). پژوهشگران ترک تلاش می‌کنند تا اصلاحات اوزون حسن را نتیجه نفوذ اقدامات اصلاحی عثمانی قلمداد کنند، اما واقعیت غیر آن است. نویسندگان این مقاله بر این نظرند که تأثیر پذیری اوزون حسن از اصلاحات محمد فاتح را به دو صورت می‌توان مطرح کرد. یکی اقتباس ایده تفکر اصلاح و دیگری اقتباس مفاد قانون نامه اصلاحات. می‌توان اصلاحات اوزون حسن را مستقل از عثمانی تعریف کرد. به نظر می‌رسد، اوزون حسن ایده اصلاح را از عثمانیان گرفته نه محتوی ومفاد قانون نامه را. گواه بر این ادعا، تداوم قانون نامه اوزون حسن در شرق آناتولی تا دهه‌های بعد در سرزمین‌های تحت حاکمیت عثمانی بود. عثمانیان نه تنها این قانون را برنیداختند بلکه براساس آن نظام مالیاتی شرق آناتولی را سامان دادند.

اقدامات اوزون حسن به منظور دگرگون ساختن اصول موجود و جلوگیری از اجحافات خودسرانه مالی و مالیاتی انجام پذیرفت (رضا زاده لنگرودی، ۱۳۷۴: ۱۰۳). وی از سال ۸۷۲ تا ۸۸۲ هجری برای توسعه و آبادانی کشور و تهیه وسایل رفاه رعایا، سرکوبی شورشیان و تشکیل ارتش نیرومند تلاش نمود (طاهری، ۸۳). از اصلاحات مالی او می‌توان به دریافت مالیات به میزان یک پنجم و یا خمس از محصولات کشاورزی به جای عشر و سایر مالیات‌های اضافی دوره‌های قبل اشاره کرد. مالیات مواشی که از زمان ایلخانان بر طبق قیچور اغنام دریافت می‌شد در زمان اوزون حسن به دو صورت نقد و یا یک راس گوسفند از هر سیصد راس دریافت گردید (فراگنر، ۱۳۸۷: ۲۵۳).

اما این که محتوای قانون نامه‌های اوزون حسن در چه زمینه‌هایی بوده است و چگونه جمع‌آوری و تدوین شده است؟ باید گفت، در دفتر یصه‌های (به معنی قوانین و برگرفته از یاسای چنگیزی) ولایت دیاربکر در دوره عثمانی در خصوص قانون نامه‌های اوزون حسن چنین نوشته شده است «تفصیل قانون نامه لواء آمد بر موجب قانون حسن پادشاه مقرر شده» (Mehdi ilhan, 2000: 1-4 ve Barkan, 1943: 96) این نوشته نشان می‌دهد که قانون نامه‌های اوزون حسن احتمالاً طی سال‌های ۸۷۵-۸۸۲ هجری به زبان فارسی نوشته شده بود (رویمر، ۱۳۸۰: ۲۴۴)، این زمانی است که اوزون حسن بر بخش عمده ایران، عراق و

شرق آناتولی حاکمیت داشت. در این دوره زبان فارسی زبان رسمی دربار آق قویونلوها بوده است. اما اصل این قانون نامه‌ها از بین رفته و پس از تصرف مناطق دیاربکر از سوی سلاطین عثمانی این قانون نامه‌ها در آن نواحی ابقا و اجرا شده است. عمر لطفی بارکان بخش عمده‌ای از این قانون نامه‌ها را همان طور که قبلاً ذکر شد، چاپ نموده است. به نوشته بارکان این قوانین در سال ۹۲۶ هجری در مناطق دیاربکر، ماردین، ارغنه، خرپوت عربگیر، ارزنجان، چرمیک و اورفا، به عنوان بخشی از قلمرو عثمانی اجرا می‌شده است با این تفاوت که در دفاتر مالی عثمانی این قوانین به زبان ترکی ترجمه، اما در بین کلمات آن لغات و گاهی جملات فارسی حفظ شده است.

بیشتر مطالب این قانون نامه در خصوص میزان و نوع مالیاتی است که رعایای شهری، کشاورز روستائی و دامپروران کوچ نشین به دولت پرداخت می‌کردند. البته در میزان و نوع مالیات دریافتی تفاوتی بین مسلمانان و غیر مسلمانان وجود داشت، در دوره آق قویونلوها صاحبان سیورغال گذشته از معافیت مالیاتی، از اجرای قوانین خاصه کشوری نیز مصون بودند. این مصونیت سیورغال‌داران را در اجرای امور قضایی و نظامی مطلق العنان می‌کرد و یعنی معافیت از پرداخت مالیات صاحب سیورغال آن چه را که در گذشته می‌باید به خزانه حکومت مرکزی واریز می‌نمود، پس از وصول از رعیت به نفع خودش ضبط می‌کرد (Barkan, 1943:108). اوزون حسن با مشاهده استعمار لجام گسیخته مردم و ظلم و ستم حاکم بر جامعه از سوی خانها و اشراف ترک و مغول، در صدد تدوین و اجرای قوانین بر آمد. این قوانین نه تنها در رفاه مردم تأثیر داشت، بلکه شرط مهم پیشرفت زندگی اقتصادی نیز بود (رویمر، ۲۴۵) غیائی در خصوص اصلاحات اوزون حسن می‌نویسد که اوزون حسن می‌خواست تمغا یعنی مالیات راهداری و عوارضی را که از کالاهای بازرگانی می‌گرفتند، براندازد، ولی امیران با وی موافق نبودند، پس وی تمغا را به نیم کاهش داد و کمتر از آن چه شاهان پیشین می‌گرفتند، وصول کرد. او اماکن خوشگذرانی، قمار و می‌خواری را در سراسر قلمرو خود بر انداخت و مالیات اراضی را که در سراسر مملکت گرفته می‌شد یکسان کرد و قانون نامه‌ای را برای تعیین تکلیف شکایت مردم و مرافعات آنان و تعیین تعزیر و جرایم و جز آن نوشت و به سراسر قلمرو خود فرستاد تا بدان عمل کنند (غیائی، ۱۹۷۵: ۳۹۱-۳۹۲).

در زمان اوزون حسن و جانشینانش مالیات تجارت و پیشه‌وری برقرار بود (هینتس، ۱۳۱) به نوشته بازرگان ونیزی هر کاسی در بازار (تبریز) دکانی داشت روزانه دو تا شش اسپر و حتی گاهی یک دوکات مالیات می‌پرداخت. میزان مالیات بستگی به نوع کسب داشت. تعرفه گمرکی برای تجار مسیحی در دوره آق‌قویونلوها ۱۰ درصد و برای تجار مسلمان ۵ درصد بوده است (باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۳۸۷) هر چند تلاش‌هایی برای از بین بردن مالیات تمغا از سوی علمای مذهبی انجام پذیرفت اما همچنان این نوع مالیات غیر شرعی تا دوره صفوی باقی مانده بود چرا که خنجی در عالم آرای امینی به تاریخ ۸۹۲ هجری به فرمانی از حاکم آق‌قویونلو اشاره دارد که به مسئله الغای دریافت رسم تمغا از تجار و کاروانیان اشاره دارد ولی پژوهشگران ترک از تداوم دریافت تمغا از تجار مسلمان و اروپایی تأکید دارند (خنجی، ۲۲۳: ۹۷؛ Barkan, 1941: 97؛ Anheger, inalcik: 1956, 47). اوزون حسن علیرغم اصلاحاتی که انجام داد موفق به حذف این مالیات غیر اسلامی نشد. تنها تغییری که قانون‌نامه‌های اوزون حسن در این خصوص ایجاد کرد، کاهش میزان تمغا نسبت به گذشته بوده است. اما در کنار آن حق عبور از کاروانهای تجاری به میزان هر من آمد (دیار بکر) ۸ آقچه از اقمشه، یک در بیست از زعفران، ۱۶ آقچه از بار شتر، ۸ آقچه از بار اسب به عنوان عوارض گمرکی اشاره شده است (Barkan, 1941, 97). از محتوای قانون‌نامه‌ها بر می‌آید که در برخی ولایات سکه حسن‌بیگی^۱ در مبادلات بکار برده می‌شد. در بند ۲۷ قانون نامه اوزون حسن در خصوص ولایت ارغنه آمده است که از بار اسب و قاطر دو سکه حسن‌بیگی و از بار الاغ یک حسن‌بیگی برای عبور کالا و در صورت فروش یک اشرفی یا حسن‌بیگی باج تمغا گرفته خواهد شد که هر حسن‌بیگی معادل دو آقچه عثمانی بوده است (ibid, 184). البته میزان عوارض عبور بستگی به نوع کالای تجاری داشت در این زمان کالاهایی از قبیل اقمشه، صابون، حنا، پنبه، ابریشم، زعفران، کشمش، نفت، روغن و... بین روم، ایران، آناتولی و شام مبادله می‌شده است. چنان که از بار صابون، حنا، پنبه و اجناس شبیه آن ۴ آقچه و از بار کتان ۳۳ آقچه باج تمغا گرفته می‌شد (ibid). همچنین از بار

۱- برابر سازی این سکه‌ها براساس زیر است: ۳ قراجه (قرا) آقچه برابر ۱ آقچه عثمانی؛ و ۲ آقچه عثمانی برابر با ۱ حسن‌بیگی یا اشرفی و ۶ آقچه عثمانی برابر با ۱ شاهرخی بود.

کالاهای تجاری که وارد شهرها می‌شد رسم بواب، حق شحنگی، سهم خزانه دار، مالیات کتابت و مالیات راهداری اخذ می‌گردید در قانون نامه لواء ماردین آمده است «از هر بار یک شاهرخ مالیات کتابت و یک شاهرخ مالیات راهداری گرفته خواهد شد که هر شاهرخ معادل شش آقچه عثمانی محاسبه می‌شود» (Barkan, 1941: 101). از پیشه وران و مغازه داران شهری در هر ماه یک آقچه مالیات گرفته می‌شد (Barkan, 1943) تعیین مالیات تمغا بر صنف قصابان مشتمل بر اخذ یک آقچه از فروشنده گوسفند (احشام) و یک آقچه از خریدار، دریافت یک قراجه آقچه از دباغ خانه از بابت هر پوست دباغی شده از سایر بخش‌های این قانون نامه می‌باشد (ibid). از بافندگان پارچه در شهرها در هر ماه چهار آقچه و اگر ساکن روستا بوده در سال یک تنگه مالیات گرفته می‌شد (ibid).

پرداختهای نقدی معمولاً با پول نقره کوچکی به نام قراجه آقچه انجام می‌گرفت هر قراجه آقچه، معادل ۱۵۴/۱ گرم نقره بود. بخش دیگر قانون نامه‌های اوزون حسن در مسائل اجتماعی و جلوگیری از شرابخواری و تعیین مجازات‌های نقدی برای شرابخواران و جلوگیری از فعالیت میخانه‌ها بوده است. در بند ۲۲ قانون نامه ولایت دیاربکر در این خصوص چنین ذکر شده است «هر گاه در شب مستی دستگیر شود سوباشی می‌تواند به هر میزان که بخواهد او را جریمه نماید اما اصل این جریمه بر مبنای عشر است. شرابخواری که در روز دستگیر شوند از آنان جریمه عشر گرفته نمی‌شود (Barkan, 1943: 135). تعیین میزان خسارت وارده بر زمین‌های کشاورزی از سوی دامپروران از سایر بخش‌های این قانون نامه می‌باشد. اوزون حسن بر طبق قوانینی برای صاحبان احشام که دامهایشان به زمین‌های زراعی کشاورزان خسارت وارد می‌ساخت، جرائمی تعیین نمود چنان که در بند ۷ قانون نامه ولایت خرپوت آمده است «جرائم حیوانات شامل اسب و گاو که وارد زمین زراعی شده و خسارت وارد نماید از هر گاو و اسب ۵ آقچه عثمانی جریمه اخذ خواهد شد (Barkan, 1941, 192).

با توجه به اهمیت و گستردگی ولایت دیاربکر در دوره آق قویونلو، قانون نامه آن در زیر درج می‌شود. این قانون نامه تا حدودی مبنایی بر قانون نامه‌های شهرهای دیگر بوده است. مقایسه مفاد قانون‌های بقیه شهرها مجال دیگر می‌طلبد. که در آنها تفاوت‌ها و تشابه‌هایی دیده می‌شود. حتی تعیین مالیات‌ها با توجه به اهمیت و توانمندی اقتصادی و تجاری منطقه

تعیین می‌شد. شهرهایی که در مسیر مستقیم راه تجاری آناتولی قرار داشتند با مناطق حاشیه مالیات یا حقوقی دیوانی یکسان نمی‌دادند. اوزون حسن برای اینکه امتیازاتی به مردم و حکمران منطقه داده شود مردم بومی را از برخی پرداختها معاف کرده بود. مجموعه دستورهای موجود در چند محور زیر دسته بندی می‌شود. لازم به توضیح است که در متن قانون نامه موجود دسته بندی خاصی دیده نمی‌شود.

الف) قوانین مربوط به امور کشاورزی:

- رسم چفت: از هر چفت زمین (مقدار زمینی که با یک گاو شخم بزنند حدود ۹۱۹ متر) سالانه ۷۲ قرا آقچه برابر با ۲۴ آقچه عثمانی در نوروز (اول بهار) اخذ می‌شود.
- از ده (ده نیم یا deh-nin diyulu) ماکیان موجود در یک چفت ۱۰ قرا آقچه در نوروز اول بهار اخذ می‌شود.
- گیرو از زارعت مسلمان و غیر مسلمان خمس (یک پنجم) دریافت می‌شود.
- نایب چیلیک و والی چیلیک (حق نایب و والی): از هرچفت زراعی، چهار کیلوغله به وزن آمد، (نصف گندم و نصف جو)، در وقت خرمن دریافت می‌شود (هر کیلو آمد نیم کیلو عثمانی است).
- رسم علف: از هر چفت صد بسته علف به ارزش ۳۰ قرا آقچه در وقت درو علف دریافت می‌گردد.
- اهالی روستاهای عرب نواحی غربی آمد و سایر قرا از پرداخت رسم چفت معاف بوده، اما رسم بواب از هر مزرعه به وزن کیلوی آمد، ۴ کیلو اخذ می‌گردد.
- از غلات دیم از هر مد یک کیلو باج اخذ می‌گردد، در مقابل عشر دریافت نمی‌گردد.
- از یک گونی پنبه، یک من پنبه با هسته باج اخذ می‌شد. اما از زیره (هرچفت) ۴ کیلو به رسم غله باج دریافت می‌شود.

(ب) قوانین مربوط به دامداری:

- رسم مواشی: از هر گاو ۶ قراآچه و از روستائینی که دارای احشام بوده و جهت چرا به مرتع می‌رفت و از بز و گوسفند ۳ قراآچه اخذ می‌شد که عثمانیان این رسم را دریافت نکرده و در دفتر جدید نیز ثبت نکردند.
- رسم یاتاق: از هر گله (گوسفند، گاو یا بز) یک رأس از همان جنس در نوروز (اول بهار) دریافت می‌شود.
- از اغنامی که به شهر جهت فروش می‌آمد از هر دو گوسفند یا بز یک قراچه آچه اخذ می‌شود (از هر شش گوسفند یک آچه عثمانی دریافت می‌شد) اما اگر به فروش نمی‌رفت و باز می‌گشت چیزی اخذ نمی‌شود.

(ج) قوانین مربوط به باغداری:

- از بستان‌ها و باغات و آسیاب‌ها مالیات دریافت نمی‌شود. اما در مقابل از هر بستان خواه کوچک یا بزرگ ۴ عدد از هر محصول دریافت می‌شد که ۲ عدد متعلق به بیگ (حق بیگ) و ۲ عدد آن مال شحنة (حق شحنة) بود.
- از هر بار میوه و نمک که در شهر به فروش می‌رفت ۶ قراآچه دریافت می‌گردد. از انار و پیاز، برنج، مهلوج پنبه، گلابی، کرک، دیگ خمره و هیزم باج گرفته نمی‌شود. اما از هر بار یک قرا آچه حق قاپوچی (بوابی) و حق عسس دریافت می‌شود.
- از هر باغ ۱۸ قراآچه به عنوان حق شحنة (شحه گی) اخذ می‌شود.
- از بار هیزم و بار نی و علف یک بسته به عنوان حق عسس و رسم بواب دریافت می‌شود.

(د) قوانین مربوط به تجارت و راهداری:

- از هر بار به رسم کیالی یک چهارم کیلو غله دریافت می‌شود.
- از هر بار وارده به شهر خواه تجاری و خواه غیر تجاری یک قراآچه دریافت می‌شود اما از بار غلات روستاهای اطراف آمد چیزی اخذ نمی‌شود. از بار هندوانه و خربزه از هر کدام یک عدد دریافت می‌گردد.
- از بار شلتوک از هر بار یک مد آمد شلتوک به رسم بوابی گرفته می‌شود.

- از اکراد لواء آمد که از دروازه ماردین وارد شهر شوند از هر خانواده یک نوکی روغن دریافت می‌شود. از ماست و پنیر آنها که به بازار آمد وارد می‌شود چیزی اخذ نمی‌گردد.
- از باری که از شهر عبور کند و به ولایت یا شهر دیگری رود یک قراجه آقچه باج اخذ می‌گردد اما اگر وارد شهر شود چیزی اخذ نمی‌شود.
- اگر کاروانی وارد شهر آمد شود با توجه به وضعیت فروش کالاهای آنها باج به شرح زیر دریافت می‌شود:
- باج و تمغا بر اساس قانون قدیم از اقمشه و سایر کالاها اگر معامله شود ۵ درصد آقچه عثمانی تمغا اخذ می‌گردد.
- از اقمشه یزد از هر من آمد (خروار) ۵۸۰ درهم یا ۹۶ قراجه آقچه که به آن باج بزرگ گویند، اخذ می‌گردد. اما اگر این کالاها توسط بازرگانان آمدی وارد شهر شود، نصف تمغای سیاه و نصف باج بزرگ اخذ می‌شود. تمام کالاهای بازرگانان سایر ولایت برای محاسبه باج بزرگ ضبط می‌شود (تا صورت برداری شود) اگر معامله انجام شود ۵ درصد باج اخذ گردد اما دیگر باج من دریافت نمی‌شود. اما اگر به فروش نرسد و باز گردد باج من دریافت می‌شود و تمغا دریافت نمی‌گردد.
- پارچه (قماش) حلب اگر به آمد وارد بشود و به فروش برسد ۵ درصد آقچه عثمانی تمغا گرفته می‌شود. اما اگر به فروش نرسد و از آمد عبور داده شود، براساس وزن از هر من آمد ۲۷ قراجه آقچه (۹ آقچه عثمانی) دریافت می‌شود.
- از ترنجبین هر من ۲۴ قراجه آقچه، از زعفران هر من ۲۷ قراجه آقچه تمغا دریافت می‌شود.
- از اقمشه اسکندرانی، تلی، دولبند و جلفاق نیز براساس باج ابریشم یا براساس اقمشه یزدی باج دریافت می‌شود.
- عطریات اگر به فروش برسد ۵ درصد تمغا دریافت می‌گردد اما اگر عبور داده شود از هر من آمد ۹/۵ قراجه آقچه (۳ آقچه عثمانی) دریافت می‌شود.
- از هر بار شتر اگر به فروش برسد از هر بار ۱۲۶ قراجه آقچه تمغا گرفته می‌شود اگر عبور داده شود و به ولایات دیگر رود ۴۸ قراجه آقچه؛ از بار اسب نصف بار شتری یعنی ۶۳

- قراجه و اگر عبور داده شود ۲۴ قراجه آقچه دریافت می‌شود. از بار آهن اگر از آمد عبور کند ۱۸ قراجه و از بار شیشه ۷۵ قراجه آقچه دریافت می‌شود.
- از بار توتیا، پولاد و نفت اگر عبور داده شود ۱۵۰ قراجه آقچه؛ از بار چاقو و کتان ۶۰۰ قراجه آقچه؛ از بار صمغ سفید ۱۵۰ قراجه و از بار صمغ سیاه ۱۲۰ قراجه آقچه باج دریافت می‌شود.
- از بار روغن، عسل، رنگ دانه، قیر، صمغ سیاه و صمغ سفید، نفت (روغن چراغ) از من آمد یک قراجه آقچه باج دریافت می‌شود.
- نکته قابل توجه در این قانون نامه‌ها وجود انواع مالیات‌های متفاوتی است که از سه گروه شهرنشینان، روستائیان و عشایردر ولایات مختلف از جمله ارزروم، ارزنجان، ملطیه، کرکر، دیورکی، ارگنی، اورفا، ماردین، نصیبین، خاپوت و دیگر شهرها دریافت می‌شد. لازم به ذکر است که قانون نامه دیابکر که به تفصیل نقل شد اساسی بر قانون‌های دیگر ولایات بوده است. مالیات‌ها مشتمل بر اقسام زیر بوده است.
- ۱- مالیات تجاری شامل تمغا، تمغای سیاه، قابضانه، حق القلم، باج اسراء و بردگان، حق عبور، رسم بوابی (قاپوچی)، حق عسس
 - ۲- مالیات اصناف شامل باج آسیاب، دلایه (دلالان)، قصاب، مغازه، دباغ، خباز، اغذیه فروشان، بافنده گان و..
 - ۳- مالیات از کوچروان شامل مالیات ایرغادیه از بابت حق عبور از دامپروان، بواب، مالیات ییلاق و قشلاق و یاتاق، مالیات مراعی یا حق مرتع، مالیات مواشی
 - ۴- مالیات کشاورزان شامل حق والیگری، گیرو، چیفت، بناک^۱، اسپنجه^۲ از غیر مسلمانان، خمس، عسل از زنبور داران، باج شحنگی

۱- بناک مالیاتی بوده است که از مسلمانان به عنوان مالیات سرانه گرفته می‌شد این نوع مالیات از افراد متاهل بالای ۱۲ و از افراد مجرد که قادر به کار و کسب بودند، به میزان شش آقچه گرفته می‌شد (عثمانلی قانون نامه لری، ۱۳۳۱، ج ۱، ش ۳: ۵۴۳).

۲- مالیاتی سرانه بود که از زمین به میزان ۲۵ آقچه گرفته می‌شود و از افراد صغیر زیر ۱۲ سال مالیات سرانه اخذ نمی‌گردد (عثمانلی قانون نامه لری، ۱۳۳۱، ج ۱، ش ۳: ۵۴۳).

۵- مالیات از املاک وقفی

۶- مالیات عروسیه

هر چند قانون نامه اوزون حسن در جهت بهبود حال رعایای مالیات دهنده وضع شده است، اما دریافت انواع مالیاتها یادآور مالیاتهای متنوع و زوائد دوره ایلخانان می‌باشد. یکی از اقدامات اوزون حسن در جهت بهبود حال رعایا در پرداخت مالیات تغییر در نوع و زمان دریافت آن بوده است با توجه به آن که قبل از اوزون حسن از کشاورزان مالیات به پول نقد دریافت می‌شد و زمان آن مشخص نبود او در قانون نامه‌های خود این روش را که اجحافی در حق زارعان بود تغییر داد و در بند اول قانون نامه دیاربکر در این خصوص قید شده است «قبل از این از غله رعایا از همان جنس خراج گرفته نمی‌شد بلکه از درآمد آنان خراج به پول نقد آنچه به مقدار زیاد اخذ می‌گردید از این بابت به رعایا ظلم و ستم فوق العاده می‌شد بدین سبب عده‌ای ترک دیار نموده و برخی مفلس و محتاج شده و دست از زراعت برمی‌داشتند. حال این مظالم به محضر عالی پادشاه عرض شد، فرمودند که دریافت آنچه نقد ممنوع گردد از گندم خراج گندم و از جو خراج جو و از سایر حبوبات نیز از همان جنس خراج گرفته شود (Mehdiilhan, 2000: 4-1; Barkan, 1943: 131). زمان دریافت نیز از زمان برداشت محصول چند ماه به تعویق افتاد و اول بهار یا نوروز زمان پرداخت مالیات سال قبل تعیین گردید (Mehdi ilhan, 2000: 4-1).

در بند دوم قانون نامه همین ولایت مقرر شده است که «بهره بر اساس دو روش اخذ گردد رعایا از هر کدام از روشها رضایت داشته باشند بر آن روش مالیات اخذ گردد: یکی آن که همه رعایا محصولات خود را به نزدیک دهکده آورده در محلی خرمن کنند تا وزن شود اگر میزان خراج یک پنجم، یک ششم و یک هفتم باشد که به موجب دفتر خراج تعیین شده و از محصول گندم، خراج گندم و از محصول جو خراج جو اخذ و در انبار ذخیره شود. راه دوم این است که ممکن است رعایا از انتقال محصولات خود به نزدیکی دهکده ناتوان باشند در این صورت با برداشت محصول در همان محل بر اساس میزان پنج یک و شش یک خراج اخذ گردد.» (ibid, 131).

برخی از قانون نامه‌های اوزون حسن در خصوص کاهش میزان مالیات و یا عدم دریافت آن از رعایایی بوده است که در فقر بوده و یا ناتوان از زراعت بوده‌اند. در بند ۷ قانون نامه ولایت دیار بکر آمده است «کسی که توان کشت زمین زراعی را داشته باشد اما زمین خود را رها نموده و زمینش بایر بماند، از او خراج چیفت و بهره بایر (بوز بهره) گرفته خواهد شد. آنهایی که در فقر فائقه باشند و یا بر اثر بلایای طبیعی به فردی محتاج تبدیل شده باشند و قادر به پرداخت مالیات نباشند از این افراد مالیات چیفت و بوز بهره (بهره زمین بایر) گرفته نخواهد شد. بلکه مالیات بناک و ایرغادیه اخذ می‌گردد» (ibid, 132) رعایایی که در روستاها ساکن و دارای یک چیفت زمین بوده و آن را کشت کنند، برای هر چیفت هفتاد و دو قراجه آقچه مالیات گرفته میشود، که هر سه قراجه آقچه یک آقچه عثمانی محسوب می‌شود که در مجموع ۲۴ آقچه بوده و از رعایا در اول فصل بهار گرفته خواهد شد (ibid).

سیاست مالیات گیری اوزون حسن از زمین و محصولات، گله‌های گاو و گوسفند، آسیابها و فعالیت‌های آبیاری با برخی دگرگونی‌ها در دیاربکر در دولت عثمانی به عنوان الگوهای عادلانه برای دهقانان، عشایر و شهرنشینان اتخاذ گردید (woods, 1976: 89) برخی از این قوانین در دوره صفویه در فارس، عراق عجم و آذربایجان نیز اجرا می‌شد به نوشته بدلیسی: «فی الواقع پادشاه رعیت‌پرور عدالت گستر بوده در اخذ مال رعایا قانونی نهاده که بالفعل در عراق و فارس و آذربایجان سلاطین بآن قانون نامه عمل می‌کنند» (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۰۷/۲) بوداق منشی قزوینی نیز تداوم «قانون حسن بیگی» را تا سال ۹۸۴ را یادآوری می‌کند (همان، ص ۷۵).

نکته جالب توجه این که وقتی در قرن هفدهم میلادی عثمانیها نواحی شمال غربی ایران را اشغال و برای این نواحی دفاتر مالیاتی تنظیم کردند نوع و میزان مالیات دریافتی از این مناطق بیشتر به همان اساس و مقداری بود که از دوره اوزون حسن مقرر شده بود. از جمله در دفتر مفصل لوای ارومیه، خلخال و سلماس که امروزه در استانبول نگهداری می‌شود، عمدتاً همان نوع مالیاتها به همان میزان گرفته می‌شد به عبارت دیگر به فاصله سه قرن میزان این مالیات تقریباً ثابت مانده است. در دفتر لوای ارومیه نوشته شده «اگر رعیتی

متاهل بوده و به اندازه کفایت زمین داشته باشد باید مالیات **چیفیت**^۱ پرداخت نماید که مقدار آن ۵۰ آقچه است. کسانی که نصف چیفت زمین داشتند مالیات **نیم چیفت** را که معادل ۲۵ آقچه بود پرداخت می‌کردند و افراد متاهلی که کمتر از این مقدار زمین داشتند ۱۸ آقچه بعنوان مالیات **بناک** می‌پرداختند و رعایای متاهلی که از خود زمین و در آمد اختصاصی نداشتند باید مالیات **جبا** را که معادل ۱۲ آقچه بود، می‌دادند و رعایای مسلمان و مجردی که زمین نداشتند ۶ آقچه بعنوان مالیات **مجرد** می‌پرداختند و غیر مسلمانان بدون توجه به مجرد یا متاهل بودنشان باید ۲۵ آقچه بعنوان **اسپنجه** مالیات پرداخت می‌کردند (سلماسی زاده و نصیر اوا، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۲).

در همین زمان، از باغداران، مالیاتی بنام «عشرباغیان» دفتر مفصل لوای ارومیه، ص ۲۰۵ «عشرمیوه» دفتر مفصل لوای ارومیه، ص ۸۸۲، به نقل از سلماسی زاده و نصیر اوا، (۱۶) و از صیفی کاران مالیاتی به نام عشربوستان (دفتر مفصل لوای ارومیه، ص ۲۲۳ سلماسی زاده و نصیر اوا، ۱۶) گرفته می‌شد. از زنبورداران نیز به همین میزان مالیات گرفته می‌شد (دفتر مفصل لوای ارومیه، ۲۰۹، سلماسی زاده و نصیر اوا، ۱۶) رسم عروسانه از دختران باکره برای ازدواج ۱۲ آقچه و از بیوه زنان برای ازدواج مجدد ۶ آقچه اخذ می‌شد (همان، ۱۸).

نتیجه

اصلاحات اوزون حسن در راستای تلاشی بود در جهت زدودن سنن ترکی و مغولی و برقراری قوانین اسلامی - ایرانی صورت گرفت. یکسری قوانین مالی، اجتماعی و قضایی برای جلوگیری از اجحافات مالیاتی به رعایا و از بین بردن فساد اجتماعی به اجرا گذاشته شد. اما این اصلاحات به طور کامل موفق به حذف سنن ترکی و مغولی از جامعه نشد اما آنها را کم اثر نمود. چرا که از یکسو اشراف ترک و مغول خواهان حفظ این سنن بودند از

۱- بر اساس قانون نامه‌های مالیاتی عثمانی اندازه یک چیفت زمین بسته به قابلیت باروری آن، مابین ۶۰ تا ۱۵۰ قدم بوده است (1963, p. 30 سلماسی زاده و نصیر اوا، ۱۲)، مساحت آن در این قانون نامه‌ها ۴۰ در ۴۰ گام (حدود ۹۱۹ متر مربع) بوده است.

سوی دیگر بخشی از دیوانیان و علما که از صاحبان سیورغال بوده‌اند و هر گونه اصلاحات در تضاد با منافع آنان بود سخت در برابر اصلاحات و قوانین جدید مقاومت می‌کردند به خاطر مخالفت این گروهها حتی اصلاحات اوزون حسن چندان گسترده و فراگیر در جهت حذف کامل سنن ترکی و مغولی نبود. وجود انواع مالیاتهای دریافتی از مردم در زمان اوزون حسن خود نشانگر ادامه فشار مالیاتی به رعایا می‌باشد. مقاومت گروههای طرفدار نظم مغولی در برابر اصلاحات سلطان یعقوب و سلطان احمد آق قویونلو نیز موجب ناکام ماندن برنامه‌های اصلاحی این سلاطین گردید. بنابر این چالش بین طرفداران نظم مغولی و نظم ایرانی همچنان در دوره آق قویونلوها باقی ماند هر چند اندک بهبودی در وضع مالی رعایا صورت می‌گرفت اما گروههای ذینفوذ همچنان به دنبال حفظ منافع خود و وضع موجود بودند.

منابع و مأخذ:

الف) فارسی

- احمد بن حسین بن علی کاتب (۱۳۸۶)، *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، ج ۳، تهران، امیر کبیر.
- باربارو و دیگران (۱۳۴۹)، *سفرنامه ونیزیان در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- بارتولد، و (۱۳۳۶)، *الغ بیک و زمان وی*، ترجمه حسین احمدی پور، تبریز، انتشارات کتابفروشی چهر.
- بارتولد، و (۱۳۷۶)، *تاریخ ترک‌های آسیای میانه*، ترجمه غفار حسینی، تهران، توس.
- بتلیسی، شرف خان (۱۳۷۷)، *سرفنامه*، به تصحیح ولادیمیر ولیامینوف، ج ۱، تهران، نشر اساطیر.
- پتروشفسکی، ای، پ (۱۳۵۹)، *ایران در سده‌های میانه*، ترجمه سیروس ایزدی و حسین تحویلی، تهران، انتشارات دنیا.
- پیکولوسکایا، ن و دیگران (۱۳۵۴)، *تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم میلادی*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
- حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله خوافی (۱۳۸۰)، *زبده التواریخ*، ج ۴، با مقدمه و تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج سید جوادی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی تربتی، ابوطالب (۱۳۴۲)، *تذکرات تیموری*، تهران، کتاب فروشی اسدی.
- خنجی اصفهانی، فضل الله بن روزبهان (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم آرای امینی*، تصحیح محمد اکبر عشیق، ج ۱، تهران، نشر میراث مکتوب.
- خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین (۱۳۸۰)، *تاریخ حبیب السیر*، ج ۴، چ ۴، تهران، نشر خیامریا.
- خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین (۲۵۳۵)، *دستور الوزراء*، به تصحیح سعید نفیسی، ج ۲، تهران، نشر اقبال.
- دورسون، داود (۱۳۸۱)، *دین و سیاست در دولت عثمانی*، ترجمه داود وفاپی و منصوره حسنی، چ ۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- رجب زاده، هاشم (۱۳۵۵)، *آیین کشورداری درعهدوزارت رشیدالدین فضل‌الله همدانی*، چاپتوس، بی‌جا.
- روملو، حسینیگ (۱۳۸۴)، *احسن التواریخ*، ج ۲، به تصحیح عبدالحسین نوائی، ج ۱، تهران، اساطیر.
- رویمر، هانس روبرت (۱۳۸۰)، *ایران در راه عصر جدید*، ترجمه آذر آهنچی، ج ۱، بی‌جا، دانشگاه تهران.
- سلماسی زاده، محمد و یاخشی خانم نصیر اوا (۱۳۹۲)، «بازشناسی یک منبع دست اول برای تاریخ اجتماعی ایران» (نسخه خطی دفتر مفصل ایالت ارومیه و خلخال)، *فصلنامه گنجینه اسناد*، سال ۲۳، دفتر دوم، تابستان ۱۳۹۲، ۶-۲۱.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۵۴)، *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس*، ج ۱، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- عبدالرزاق سمرقندی، کمال الدین (۱۳۸۳)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، ج ۲، به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- *عثمانلی قانون نامه لری*، (۱۳۳۱)، ملی متبعلر مجموعه سی، ج ۱، صایی ۳، بی‌جا
- غیاث بغدادی، عبدالله بن فتح الله معروف به غیاثی (۱۹۷۵)، *تاریخ غیاثی*، دارسه و تحقیق طارق نافع الحمدانی، بغداد، مطبع اسعد.
- فراگنر، برت (۱۳۸۷)، *تاریخ ایران دوره تیموریان*، پژوهش از دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، ج ۳، تهران، جامی.
- فصیحی خوافی، احمد بن محمد (۱۳۸۶)، *مجمعل فصیحی*، ج ۲، به تصحیح محمد محمد ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر.
- لاور، رابرت. اچ (۱۳۷۳)، *دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی*، ترجمه سیدکاووس سید امامی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- لمبتن، آن (۱۳۸۲)، *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر نی.
- لمبتون، ا. ک. س (۱۳۷۷)، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، ج ۴، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- لنگرودی، رضا (۱۳۷۴)، «*سیاست اقتصادی احمد آق قویونلو*»، مجله تحقیقات اسلامی فقه و اصول، س ۱۰، بهار و تابستان.

- المازندرانی، عبدالله بن محمد بن کیا (۱۹۲۵)، *رساله فلکیه*، به تصحیح والتر هینتس، آلمان، ویس بادن، انتشارات هیئت مستشرقین در فرهنگستان ماینس، چاپخانه فرانس اشتاینر.
- منز، بئاتریس فوربز (۱۳۹۰)، *قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری*، ترجمه جواد عباسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- نخجوانی، محمد بن هندوشاه (۱۹۷۱)، *دستور الکاتب فی تعیین المراتب*، جزء اول از جلد اول، به تصحیح و اهتمام عبدالکریم علی اوغلی علی زاده، مسکو، فرهنگستان علوم، انستیتو ملل خاورمیانه و نزدیک.
- واله قزوینی اصفهانی، محمد یوسف (۱۳۷۲)، *خلد برین*، به تصحیح میر هاشم محدث، چ ۲، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار.
- هانتیگتون، ساموئل (۱۳۷۵)، *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.
- همدانی، رشید الدین فضل الله (۱۳۷۳)، *جامع التواریخ*، ج ۱، به تصحیح و تحشیه محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، نشر البرز.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۳۵۸)، *تاریخ مبارک غازی*، به تصحیح کارل یان، هرتفرد، نشر استفن اوستین.
- هینتس، والتر (۱۳۴۶)، *تشکیل دولت ملی در ایران*، ترجمه کیکاووس جهانداری، چ ۳، تهران، خوارزمی.
- یزدی، شرف الدین علی (۱۳۸۷)، *ظفرنامه یزدی*، ۲ جلد، به تصحیح عبدالحسین نوائی، چ ۱، تهران، مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

ب) خارجی

- Barkan, ömerlütfi (1943) *xv ve xvi inçe asırlardaö.Osamnlı imparatorluğunda zirai ekonominin hukuki vr mali esasları*. stanbul. staqnbul ıversitesi. Edebiyat fakıltesi.
- Barkan,ömerlütfi (1941), Osmanlı devrinde akkoyunlu hıxkmdar Uzun Hasan Beye ait kanunlar *Türk tarik vasikaları*. Ankara. S1. ss 91-106 ve S2, ss184-196
- nalc k. Halil.(1973). *The Ottoman Empire: The classical age 1300-1600*. Translated by Norman Itzkowitz and Colin mber, the trinity press Worcester and London

- Minorsky, v` (1955), The Aq-qoyunlu and land reforms , *Bulletin of the school of oriental and African studies*, University of London, vol17. No3, 449-462.
- Woods, John.E (1976), *The Aqqyunlu clan, confederation Empires*, the university of Utah press salt lack city.

